

مرور زمان برات = سفته = چک

بنا بطرح همکار محترم آقای عزیزاده دهخوارقانی در مجله کانون و کلاء شماره ۳۸ صفحه ۲۹ نسبت بدو سفته تجارتي در دو دادگاه شهرستان اقامه دعوی شده که پنج سال از تاریخ انقضای سررسید هر دو سفته گذشته بوده - خواننده هر دو دعوی بایراد مرور زمان برابر ماده ۳۱۸ قانون تجارت متوسل یکی از دو دادگاه این ایراد را وارد دانسته قرار رد دعوی صادر نموده است دادگاه دیگر باستناد ماده ۳۱۹ ایراد را وارد ندیده و قرار رد ایراد مرور زمان صادر کرده است .

همکارم آقای عزیزاده این دو دادنامه را متناقض دیده و برای حل مسئله موضوع را بوسیله مجله در معرض افکار قضائی و حقوقی گذاشته اند پیش از اظهار نظر در حل مسئله از ذکر نکات زیر ناگزیر است که :

اولاً: - از طرز طرح موضوع در مجله بدون اظهار نظر مثل این است که همکارم دو دادنامه را متناقض میدانند والا لازم بود خودشان اول اظهار نظر و سپس موضوع را طرح میفرمودند .

ثانیاً - عبارت تناقض در این موضوع بسامحه در تعبیر است زیرا تناقض در موردی ممکن بود که مستند دو دادنامه در شمول و عدم شمول مرور زمان یکی بوده در این مورد بطوریکه طرح شده مستند یکی ماده ۳۱۸ و مستند حکم دیگری ماده ۳۱۹ بوده است بنابراین بهتر است بتعارض قائل شویم . مطالبات فنی

نظر یه : بنظر اینجانب اساساً تعارضی هم بین این دو ماده وجود ندارد تا سبب تعارض دو حکم گردد زیرا حکم ماده ۳۱۸ عمومیت داشته و برابر آن مرور زمان برات - فته طلب (سفته) - چک از تاریخ موعد (سررسید) پنج سال تمام است .

صراحت این ماده اجازه نمیدهد که در اطراف آن بحث بشود جز عمل بمورد حکم هم چاره ای نیست ولی آنچه باعث ابهام گردیده و تصور تعارض می رود حکم ماده ۳۱۹ است

حکم ماده ۳۱۹ بطوریکه منطوق آن حکایت دارد حکم خاص استثنائی است ابتدا معارضه باحکم ماده ۳۱۸ نخواهد داشت و این معنی از این جهت قابل ارزش است که اگر مقنن میخواست خلاف حکم ماده ۳۱۸ را در ماده ۳۱۹ بیان نماید حاجتی به بیان حکم خود ماده ۳۱۸ نبود و باحکم خلاف (۳۱۹) منظور خود را خاتمه میداد پس منظور از حکم مجدد در ماده ۳۱۹ علاوه از ماده ۳۱۸ حتماً ناظر بمورد خاصی باید باشد که باحکم ماده ۳۱۸ معارض نگردد .

اگر ماده ۳۱۹ همانطوریکه شروع شده بود با همان سادگی و صفا خاتمه مییافت معارضه دو ماده با هم حتمی بود بعبارت دیگر اگر ماده ۳۱۹ اینطور تنظیم شده بود که « اگر وجه برات یافته طلب یا چك را نتوان بواسطه حصول مرور زمان پنج ساله مطالبه کرد دارنده برات یافته طلب پاچك میتواند تاوصول مرور زمان اموال منقوله وجه آنرا از صادرکننده یا معتمد از نو مطالبه نماید » در اینصورت معارضه را بالاتر دید بایستی قبول نمائیم زیرا با این وصف برات - فته طلب - چك هر کدام دارای دو نوع مرور زمان پنج ساله و ده ساله هردو را باهم بوده یعنی دو حکم مختلف نسبت بیک نوع ازدین بارشده بود مثل اینکه در مورد مرور زمان مالکیت گفته باشیم که مشمول مرور زمان بیست ساله است اگر خدای نکرده در اثر مسامحه یا فراموشی تصرف ملک از مرور زمان بیست ساله استفاده نشد مرور زمان دیگری را که چهل سالست مشمول خواهد گردید .

این امتیاز بيمورد و بی مزه را نه در این مورد بلکه در هیچ جای و موردی قانون گذار تمایل نشان نداده زیرا اگر یک حکم قطعی شایسته موردی باشد بعداً قابل تردید نباید بشود و اعتبار دادن باین نوع تصورات مثل این میماند که مقنن در یک موردی حکمی را برای مرور زمان وضع کرده بعد بلافاصله پشیمان و متأسف گردیده حکم دیگری را که از او باصرفه تر و بهتر برای طرف دعوی بوده وضع نموده است و این قرابت و دلسوزی مقنن نسبت بیک طرف دعوی در صورتی معقول و منطقی است که لااقل حکم بی صرفه اولی را ملغی و مطرود ساخته و حکم باصرفه دومی را استوار نماید در اینصورت هم قسط یکی از این دو حکم در خارج منعکس و میتوانسته وجود خارجی پیدا کند .

از مراتب معروض چنین نتیجه میگیریم که مقنن در وضع ماده ۳۱۹ دچار هیچگونه تردید نشده بلکه هر دو حکم در هر دو مورد مختلف معین و پایجا و برقرار است .
این نتیجه ای که ما از مفهوم ماده ۳۱۹ گرفته ایم مرسوم بیانی است که در قسمت اخیر آن پیش از تبصره واقع شده و میگوید « وجه آنرا از کسی که بضرر او استفاده بلاجهت کرده است مطالبه نماید . »

حتماً این شخص که مقنن با احترام از او نام برده و تأسف و دلسوزی مخصوصی نسبت باو ابراز داشته که از عبارت « از کسی که بضرر او استفاده بلاجهت کرده است » پیداست غیر از شخصی باید باشد که در ماده ۳۱۸ بصراحت مورد غضب او واقع و یا حکم قطعی اظهار داشته که دعوی او در محاکم (دادگاهها) مسموع نخواهد بود بطوریکه عرض شد صراحت ماده ۳۱۸ اجازه میدهد با اطمینان خاطر تمام معتقد باشیم که در حال بیان این حکم کوچکترین چیزی به پیشانی مقنن که ناشی از سلاطت حال باشد نغورده است .
از صراحت ماده (۳۱۸) و از خصوصیتی که در قسمت اخیر ماده ۳۱۹ که در خصوصیت خود ابهامی ندارد فاصله شخص مورد احترام مقنن را بشخص مورد غضب ماده ۳۱۸ تشخیص میتوان داد .

حالا باید دید شخص متضرر بلاجهت در نظر مقنن کی بوده که بخاطر او حکم مرور زمان پنج ساله ماده ۳۱۸ شکسته شده است و حتمی است که منظور از این شخص

مرور زمان - برات - سفته - چک

(دارنده برات) همان شخص دارنده برات ماده ۳۱۸ نباید باشد زیرا حکم در باره او برابر ماده نامبرده صراحتاً بیان شده است - پس برای تغییر و ایجاد حکم تازه ماده ۳۱۹ سبب و علت تازه‌ای لازم است .

من با آقایان دادرسان دوداد گاهی که در طرح همکاری بدانها اشاره شده چون شعبه معین نبوده نتوانستم از نزدیک مذاکره کرده و استدلال آنان را دریابم ولی با بعضی از آقایان دیگر تماس گرفتم

یکی از آقایان دادرسان و همچنین عده‌ای از همکاران عقیده دارند که منظور از مرور زمان پنج ساله مذکور در ماده ۳۱۸ حد نهائی مدت امتیازاتی است که در نظر قانون تجارت درباره برات - سفته - و چک برقرار گردیده است و پس از مرور زمان پنج ساله این رجحان و امتیاز از بین رفته برات - سفته - و چک لغت و عریان حکم سندی را خواهند داشت - و به همین جهت است که در ماده ۳۱۹ شمول مرور زمان ده ساله میگردد و بعبارت دیگر وضعیت سفته و برات از جهت تجارتي بجهت عادی میل میکند .

این عقیده اگرچه در بدایت نظر موجب خوشحالی است ولی از جهات زیرین قانع کننده نیست :

الف - امتیازاتی که در قانون تجارت برای برات و سفته و چک ذکر شده : مثل تأمین بهای خواسته بمحض و اخواست برابر ماده ۲۹۲ و سایر مواد مواردی است که در موقع معین ذکر گردیده و با از بین رفتن آنها امتیازات نیز از بین میرود مثلاً از سر رسید سفته تا ده روز میتوان و اخواست در سه مورد معینه در ماده ۲۹۳ برابر ماده ۲۸۰ بعمل آورد بمحض انقضای مدت ده روز و عدم و اخواست امتیازی که از این جهت سفته و برات و چک داشته اند از بین میرود ولی بنا باظهار آقای دادرس این امتیاز و اخواست تا مرور زمان پنج ساله باقی و پس از آن از بین برود در صورتیکه هم قانوناً و هم عملاً اینطور نبوده و بمحض انقضای مدت ده روز مذکور در ماده ۲۸۰ و عدم و اخواست امتیاز تأمین بعودی خود ملغی میشود و در دادگاهها تقاضای تأمین باستناد ماده ۲۹۲ قابل استماع نیست .

و همچنین امتیازاتی که در مواد ۲۴۹ و ۲۷۴ و ۲۸۶ و ۲۸۹ در مورد برات باعطف ماده ۳۰۹ درباره سفته نیز مقرر و دارای مدت ده روز - سه ماه و یک سال میباشد این قبیل مواعدا نمیتوان مرور زمان مورد نظر قرارداد زیرا اگر چنین مواردی جزء مرور زمان میباشد بایستی در تمامی مواعدی که در قانون معین و موجب اسقاط حق است همه در فصل مرور زمان ذکر میشد مثلاً برابر ماده ۸۵ آ. د. م. اگر در ظرف پنج روز پس از اخطار رفع نقیصه دادخواست تکمیل نگردید برابر قرار صادره دادخواست رد میشود پس در واقع حقی از خواهان ساقط میشود که با دادخواست تقدیمی حق تعقیب دعوی را دیگر نخواهد داشت مرور زمان پنج روز با اینکه مسقط حق است معیناً در فصل مرور زمان مورد این قبیل مواعدا ذکر نشده است .

مرور زمان - برات - سفته - چك

ب) مرور زمان بطوریکه از تعریف ماده ۷۳۱ - ۱ - د. م برمیآید مسقط دعوی است در اینصورت طبع آن مخالف بقاء حق امتیاز پس از مرور مدت مقرر میباشد و وقتیکه گفتیم از تاریخ فلان سند مدت یکسال - پنج سال ده سال - یا بیست سال گذشته یعنی پس از انقضای مدتهای نامبرده دعوی مدعی دیگر شنیده نشده وساقط خواهد شد بنابراین حکم مرور زمان حکم تشریفاتی نیست که هم پنج سال مرور زمان باقی بوده وهم مسقط حق نگردیده فقط امتیازات و اختصاصات را از بین ببرد.

در این صورت مجبوریم قبول کنیم که اگر پنجسال مذکور در ماده ۳۱۸ را مرور زمان تلقی کنیم مجبور خواهیم بود قبول کنیم که پس از پنج سال دعوی درداد گاهها مسموع نبوده وحق مدعی ساقط خواهد بود وبا قبول این معنی چطور میتوانیم درعین حالیکه مرور زمان را مسقط حق میدانیم نتیجه را فقط با امتیازات سند بار کرده حق را در مقام و موقعیت خود پابرجا و برقرار بدانیم و باین ترتیب نقض غرضی حاصل خواهد شد که معقول و منطقی نیست.

بنا بر مراتب معروض تغییر وضعیت برات - سفته - چك از ماده ۳۱۷ بماده ۳۱۹ شامل خود سند سفته و برات نبوده و این تغییر وضعیت چنانکه قسمت اخیر ماده ۳۱۹ تعیین نموده ناظر به شخص بستانکار مخصوص است که ماده آنرا بعنوان « شخص متضرر بلاجهت » معرفی کرده است چنانکه معروض افتاد شخص متضرر بلاجهت رامقتن معرفی نکرده همین عدم تشخیص باعث شده که عده ای دارنده برات و سفته را شخص متضرر دانسته و اسناد نامبرده را مسمول دونوع مرور زمان پنج ساله و ده ساله بدانند و چون ثابت گردید که دازنده برات ویا سفته ایکه ماده ۳۱۸ تکلیف او را پس از مرور زمان پنج سال تعیین کرده نمیتواند شخص متضرر بلاجهت مورد ماده ۳۱۹ باشد در اینصورت باید شخص متضرر را پیدا کرد.

بدین منظور اینجانب درس قانون تجارت مرحوم دکتر زنگنه که بعداً بشکل کتابی چاپ شده وهمچنین نوشته آقای ارسلان خلعتبری مراجعه کردم در هیچکدام از این دو کتاب در این قسمت بحثی نشده ولی با مراجعه بآراه مجموع بعنوان رویه قضائی در تألیف آقای احمد متین ص ۳۱۳ در فصل مرور زمان حکم شماره ۸/۲۷۳ مورخه ۲۹/۸/۳۲۰ شعبه ۱ دیوانعالی کشور در تأیید نظر اینجانب شخص متضرر بلاجهت را (وکیل - مدیون و محال علیه که در نزد او وجه بوده) معرفی کرده است و عین نظریه درج میشود :

« مقصود از وضع مادتین ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت آنست که دعاوی که مستقیماً از برات و فته طلب و چك ناشی میشود یعنی دعوی دارنده بر گهای مزبور و جانشین او بر قبول کننده و صادر کننده و ظهر نویس ماقبل خود پس از انقضای مدت پنج سال درداد گاه مسموع نیست ولی اگر کسی بر گهای مزبور را بدیگری برای وصول و ایصال وجه آن داده یا شخص به محال علیه وجهی برای پرداخت برات و فته طلب و چك قرض داده

مرور زمان - برات - چک - سفته

همچنین محلی که وجه حواله را بمحال علیه رسانیده یا در نزد او محل داشته و باینعمل در پرداخت وجه امتناع نموده باشد هرچند دعوی بروکیل مدیون و محال علیه در این موارد نیز ظاهراً ناشی از فتنه طلب و برات و چک میباشد ولی چون اشخاص مزبور از اوراق مذکوره استفاده بلاجهت نموده اند مرور زمان پنج سال در آن جاری نیست بلکه مدت مرور زمان در این قبیل دعوی (دعوی بروکیل و مدیون و محال علیه که در نزد او وجه بوده) همان مرور زمان اموال منقول است .

نتیجه : بطوریکه ملاحظه میشود تعارضی بین دوماه ازجهت تعیین مرور زمان سفته و برات و چک در بین نیست بنابراین تعارضی هم در بین دو دادنامه اگر منطبق با دومورد معروض در بالا بوده یعنی اگر دادگاهی که ایراد مرور زمان را قبول کرده خواهان آن متضرر بلاجهت نبوده و دادگاهی که قرار رد ایراد مرور زمان صادر کرده خواهان آن متضرر بلاجهت مطابق قسمت آخر ماده ۳۱۹ بوده است در اینصورت هر دو دادنامه صحیح و معارضه ای باهم نداشته اند .

در اینمورد اگر فرصت پیدا شد از نظر حقوق تجارت فرانسه هم مقاله ای خواهم نوشت و انتظار دارم همکاران و آقایان دادرسان محترم که بیشتر از من فضیلت علمی را دارا میباشند در حل مشکل بیان عقیده فرمایند .



شعبه شگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

